



Course Title: English For Managers (Virtual Communication Approach)

Section Title: American Language Course Book 1300 – Student Glossary – UNIT 1307

Lesson No: 1307 **Tags:** American Language Course, UNIT 1307, Glossary

At all	اصلاً، ابداً	My car is old. It <u>runs well</u> though.	ماشینم قدیمیه. اما خوب کار می‌کنه.
Clothing	لباس	At all	اصلاً، ابداً
How have you been?	چطوری؟ حالت چطوره؟	I have <u>no money at all</u>.	من اصلاً هیچ پولی ندارم.
Though	اگرچه، اما	Would you mind ...? (+ ing form)	زحمت نیست براتون...؟
My wife has been sick, <u>though</u>.	اما همسر من مریضه.	<u>Would you mind bringing</u> me the book?	زحمت نیست براتون کتابم برام بیارید؟
Sound like	به نظر رسیدن	No, not at all.	نه، اصلاً و ابداً.
That sounds like a good idea.	فکر خوبییه.	Housework	کار منزل
Leave (with)	کسی را (با کسی) تنها گذاشتن	Let (+ simple form of verb)	اجازه دادن (بعد از let فعل به صورت بدون to می آید).
We'll <u>leave</u> them <u>with</u> my sister.	می‌ذاریمشون پیش خواهرم.	The doctor <u>wouldn't let</u> her do any work at all.	دکتر به او اجازه نمی‌داد اصلاً هیچ کاری بکنه.
To have a good time	خوش گذراندن	While	مدتی کوتاه
Did you have a good time?	آیا به شما خوش گذشت؟	For a while	برای مدت کوتاهی
Kids	بچه‌ها	The doctor wants her to rest.	دکتر از او می‌خواهد که استراحت کند.
Miss	دل‌تنگ شدن	Take medicine	دارو مصرف کردن
<u>I'm sure</u> we'll miss ours.	قطعاً ما هم خیلی دلمون برای بچه‌هامون تنگ خواهد شد.	In	در عرض
Come by	آمدن، سر زدن	In a few weeks	در عرض چند هفته
Why don't you...?	عبارتی است که برای پیشنهاد دادن و یا امر کردن صمیمانه استفاده می‌شود.	Aunt	عمه، خاله، زن عمو، زن دایی
<u>Why don't you come by</u> our house some evening?	یه شب بیا خونه ما. چرا یه شب نیایی خونه ما؟	Uncle	عمو، دایی، شوهر عمه، شوهر خاله
We haven't seen you for a long time.	خیلی وقته ندیدیمتون.	Ankle	قوزک پا
Call up	زنگ زدن، تلفن زدن، خبر دادن	Look forward to (+ ing form)	چشم انتظار بودن، مشتاقانه منتظر چیزی یا کسی بودن
I'll <u>call</u> you <u>up</u> this weekend.	این آخر هفته به شما خبر می‌دم.	Get out of	خارج شدن از (رختخواب، بستر بیماری و...)
Fine!	بسیار خوب!	Short while	مدت کوتاه
We'll be waiting for your call.	منتظر تماستون هستیم.	I waited only a <u>short while</u> for him.	فقط مدت کوتاهی برای او صبر کردم.
Miss(v.)	جا انداختن	After a <u>while</u> she called him on the telephone.	بعد از مدت کوتاهی او (خانم) تلفن زد به او (آقا).
This book is complete; nothing is <u>missing</u>.	این کتاب کامله؛ هیچ چیزی جا نیفتاده.	The way	طبق، آنطور که
How old are your kinds?	بچه‌هاتون چند سالشونه؟	Possibility	امکان
Relaxation	استراحت		
Run	کار کردن		



Course Title: English For Managers (Virtual Communication Approach)

Section Title: American Language Course Book 1300 – Student Glossary – UNIT 1307

Lesson No: 1307 **Tags:** American Language Course, UNIT 1307, Glossary

Probability	احتمال	Floor	طبقه ساختمان
Fulfill	انجام دادن، به پایان رساندن	Next floor	طبقه بعدی
Unfulfilled	انجام نشده، به پایان نرسیده	Ladies Lingerie	لباسهای زیر زنانه
Expectation	انتظار	Wrap this for me.	اینو برام بپیچید.
Certainty	قطعیت، یقین	Waist	کمر، قسمت کمر لباس
Logical	منطقی	Sleeve	آستین
Necessity	ضرورت	Cuff	سر آستین، دم پای شلوار
Predictability	قابلیت پیش بینی	Tail	دُم، دنباله
Anyway	به هر حال، در هر حال	Shirt tail	دنباله پیراهن
Any minute	هر زمانی، هر لحظه ای	T-Shirt	تی شرت
The next plane should come in <u>any minute now</u>.	هوایمای بعدی باید هر لحظه ای در این زمان برسه.	Shorts	شورت
Ground	زمین	Socks	جوراب (مردانه)
It ought to <u>be on the ground by 2:00</u>.	هوایما باید تا ساعت دو بنشینه روی زمین.	Boot	چکمه، بوت
Get along together	با هم سازش داشتن	Slippers	دمپایی
Call(n.)	فراخوان، تماس برای احضار کردن یا انجام کاری	(Back) seat	قسمت باسن لباس، پشت لباس
Doctors must always be ready to go out on a <u>call</u>.	دکترها باید همیشه با یک تماس آماده بیرون رفتن باشند.	Side	کنار، بغل
Call for paper	فراخوان مقاله	Hip	باسن
Take an examination	امتحان دادن	Pocket	جیب
Give an examination	امتحان گرفتن (توسط استاد)	Side hip pocket	جیب کنار باسن
All wool	تمام پشم	Belt	کمر بند
Try on	پوشیدن لباس برای امتحان کردن سایز و مدل و...	Leg	ساق شلوار
Wrap	پیچیدن، لفافه بندی کردن، بسته بندی کردن	Crotch	فاق لباس، خشتک، نیفه
Collar	یقه لباس	Crease	خط اتو (در شلوار مردانه، چین (دامن زنانه))
Latest	آخرین، جدیدترین، مُد روز	Dress	لباس مجلسی زنانه
Style	سبک، سیاق، استیل	Blouse	بلوز، پیراهن زنانه
<u>Let me have two</u>.	دو تا به من بدید.	Skirt	دامن
Pair	جفت	Underwear	زیرپوش، لباس زیر
Hose	جوراب ساق شلواری	Gloves	دستکش
Stocking	جوراب بلند	Uniform	یونیفورم، لباس متحد الشکل سازمانی (نظامی یا غیر نظامی)
Slip	زیرپوش بانوان	On	بر تن، پوشیده
		I have it on now.	هم اکنون آنرا بر تن دارم. پوشیده ام.
		Wear out	کهنه شدن، مندرس شدن
		These socks are worn out.	این جورابها کهنه هستند.



Course Title: English For Managers (Virtual Communication Approach)

Section Title: American Language Course Book 1300 – Student Glossary – UNIT 1307

Lesson No: 1307 **Tags:** American Language Course, UNIT 1307, Glossary

Throw away	دور انداختن	A great deal of	مقدار زیادی از
Right way	به شکل صحیح	A lot of = lots of	تعداد زیادی، مقدار زیادی
Why don't you learn it the right way?	چرا شکل صحیح آنرا یاد نمی گیری؟ بیا شکل صحیح آنرا یاد بگیر.	Plenty of	تعداد زیادی، مقدار زیادی
Tear (tore, torn)	پاره کردن (فعل بی قاعده)	It's happened plenty of times.	آن دفعات زیادی اتفاق افتاده است.
Torn(adj.)	پاره، پاره شده	Can	قوطی، ظرف حلبی، پیت حلبی
Bad English	انگلیسی غلط	Cans of gasoline	پیت بنزین
Singular	مفرد	Play	نواختن (موسیقی)
Just a second!	یه لحظه صبر کن ببینم!	Play the piano	پیانو زدن
As	به عنوان	Vocal	صوتی
Pair	جفت	Chord	تار صوتی، زه ساز موسیقی
Plural	جمع	Vocal chords	تارهای صوتی
On top	در قسمت بالا	Vibrate	مرتعش شدن، لرزیدن
On bottom	در قسمت پایین	Unvoiced	بی صدا
Peak	قله، نوک کوه	Voiced	صدا دار
Maneuver	مانور (نظامی)	Place	قرار دادن، گذاشتن
Gasoline = gas	بنزین	Lip	لب
Hard and fast	سفت و سخت (قوانین)، ثابت و شدید	Firm	محکم، سفت
Rules	قوانین، مقررات	Firmly(adv.)	بطور محکم
Hard and fast rules	قوانین سفت و سخت	Breath	نفس
Interrogative	سؤالی، پرسشی، استفهامی	Take a deep breath	نفس عمیق کشیدن
Include	شامل شدن، وارد شدن	Tip	نوک
Aid	کمک کردن	Tongue	زبان
Beginning students	دانشجویانی که تازه یادگیری را آغاز نموده اند.	Touch	لمس کردن، برخورد کردن
A great number of	تعداد زیادی از	Roof	سقف
A large number of	تعداد زیادی از	Upper	بالایی
A good number of	تعداد زیادی از	Lower	پایینی
Quantity	مقدار	Alteration	تغییراتی که بعد از خرید لباس بر روی لباس انجام می گیرد؛ مانند دم پا یا تنگ و گشاد کردن کمر و...
A great quantity of	مقدار زیادی از	Alterations are free.	تغییرات لباس رایگان است.
Fuel	سوخت، بنزین یا گازوئیل و...	Expel	بیرون دادن، خارج کردن
A large quantity of	مقدار زیادی از	Department	بخش
A good deal of	مقدار زیادی از	Department store	فروشگاه بزرگ زنجیره ای
		Lightweight	سبک وزن [تابستانی]



Course Title: English For Managers (Virtual Communication Approach)

Section Title: American Language Course Book 1300 – Student Glossary – UNIT 1307

Lesson No: 1307 **Tags:** American Language Course, UNIT 1307, Glossary

Medium	متوسط
Weight	وزن
Heavy	سنگین
Based on	بر مبنای، بر اساس، طبق
Fall	فصل پاییز
Autumn	فصل پاییز
Confuse(v.)	گیج کردن
Confusing(adj.)	گیج کننده
Think about	در نظر داشتن، فکر کردن به
Chest	سینه، قسمت سینه لباس
Refer to	اشاره کردن به، دلالت داشتن به
Length	طول، درازا
Letter	حرف الفباء
Wide	عریض، پهن
Letters show <u>how wide</u> the shoe is.	حروف نشان می دهند که کفش چقدر پهن است.
Narrow	باریک
Neck	گردن
Leg	پا، پاچه شلوار
State	بیان کردن
In inches	به واحد اینچ
Sizes of the clothes <u>are</u> usually <u>stated</u> in inches.	اندازه های لباس معمولاً به واحد اینچ بیان می شوند.